

فهرست

۱	درباره‌ی نویسنده
۵	مقدمه
۷	عزم دریا می‌کنم
۲۳	دزدان دریایی اسیرم می‌کنند
۳۱	از چنگ دزدان دریایی می‌گریزم
۴۸	در برزیل کشاورزی می‌کنم
۵۶	در ساعتی نحس سوار کشتی می‌شوم
۶۶	خود را به وسایل مختلف مجهز می‌کنم
۷۹	قلعه‌ام را می‌سازم
۹۴	یادداشت‌های روزانه
۱۰۲	پوسته‌ی غلات را دور می‌ریزم
۱۰۸	تندباد بسیار هولناکی وزید
۱۱۴	سخت بیمار و هراسان می‌شوم
۱۲۸	جزیره را وارسی می‌کنم
۱۳۷	بذره‌ایم را می‌کارم
۱۴۳	به سمت دیگر جزیره سفر می‌کنم

- بسیار به ندرت بیکار می مانم ۱۵۱
- برای خود کانویی می سازم ۱۶۶
- مهارت های فنی ام را افزایش می دهم ۱۸۸
- رد پای برهنه ی مردی را می بینم ۲۰۲
- در ساحل استخوان هایی پراکنده می بینم ۲۱۴
- به ندرت از خانه خارج می شوم ۲۲۵
- لاشه ی یک کشتی را می بینم ۲۳۹
- برای نخستین بار صدای مردی را می شنوم ۲۵۱
- او را جمعه می نامم ۲۶۴
- کانوی دیگری می سازیم ۲۷۵
- با آدم خواران روبه رو می شویم ۲۹۵
- نقشه ی سفر به مستعمرات آمریکا را می کشیم ۳۱۰
- شورش ی را فرومی نشانیم ۳۱۹
- کشتی را تصرف می کنیم ۳۴۳
- همه ی ثروتم را بازمی یابم ۳۵۶
- از کوهستان گذر می کنیم ۳۶۸
- دوباره از جزیره ام دیدن می کنم ۳۸۶